

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۱/۱۴
تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۳/۸

علی صمیمی شامی^۲، پروین پرتوی^۳

بررسی و سنجش حس مکان در محلات ارگانیک و برنامه‌ریزی شده موردپژوهی: محلات ساغریسازان و بلوار گیلان در شهر رشت^۱

چکیده

هدف کلی از پژوهش حاضر، سنجش عناصر مؤثر در حس مکان و بررسی تفاوت آن در بافت‌های ارگانیک و برنامه‌ریزی شده با مطالعه موردی در محله‌های ساغریسازان با بافت ارگانیک و محله بلوار گیلان با بافت برنامه‌ریزی شده است. مبانی نظری تحقیق برگرفته از آرای معمار پدیدارشناس، کریستین نوربرگ شولتس درباره پدیده مکان و حس مکان است. از نظر شولتس، پدیده مکان مفهومی کلی و کیفی بوده و ساختار مکان، متأثر از مرز/قلمرو، تمرکز/محصوریت، عرصه درونی/عرصه بیرونی، شناسایی و خوانایی است. روش تحقیق، توصیفی برمبنای استدلال استقرایی و با استفاده از راهبرد ترکیبی (کیفی-کمی) با تمرکز بیشتر بر راهبرد کیفی است. نتایج تحقیق با استفاده از انجام مصاحبه‌های عمیق توأم با پرسش‌های باز از ۴۶ نمونه هدفمند انتخاب شده و با استفاده از روش مثلث‌بندی، مشاهده‌های محقق در زمان‌های مختلف و نیز مقایسه جداول نتایج در دو محله، مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. ارزیابی نتایج نشان می‌دهد که محله برنامه‌ریزی شده بلوار گیلان، از نظر حس مکان در وضع ضعیف‌تری نسبت به همتهای مسن‌تر خود یعنی محله ساغریسازان قرار گرفته است که از جمله علل این قضیه عبارتند از: یکنواختی محیط و استاندارد شدن بافت در بلوار گیلان، کاهش هویت بومی، ضعف در وجود ارتباطات غنی انسانی، فقدان حس زندگی جمعی، مهاجرپذیری، نوساز بودن محله و فقدان خاطرات جمعی، عدم انس با محیط، تغییر نائقه و نگرش مردم به زندگی و غیره.

واژه‌های کلیدی: مکان، حس مکان، ادراک محیط، محلات ارگانیک، محلات برنامه‌ریزی شده.

۱. مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد آقای علی صمیمی شامی تحت عنوان «بررسی و سنجش حس مکان در محلات ارگانیک و برنامه‌ریزی شده - نمونه موردی: محلات ساغریسازان و بلوار گیلان شهرستان رشت» به راهنمایی دکتر پروین پرتوی است که در دانشگاه هنر تهران در حال انجام است.
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر تهران.

E-mail: ali_samimi11@yahoo.com

E-mail: p.partovi@art.ac.ir

۳. استادیار دانشگاه هنر تهران، استان تهران، شهر تهران.

مقدمه

متأسفانه بیشتر فضاهای شهری موجود در شهرهای امروزی، فاقد حس مکان [۱] و هویت مشخص هستند. این در حالی است که انسان‌ها، صرف نظر از موقعیت تاریخی، اجتماعی، تکنولوژیکی و جغرافیایی، همیشه به مکان نیاز خواهند داشت زیرا برخورداری از مکان و شناسایی آن، بخشی از وجود بشر است. ما در زندگی روزمره، وظایف‌مان را به‌طور معمول و بی‌دغدغه و بدون توجه ویژه به جهان و محیط اطراف انجام می‌دهیم، نهایتاً اینکه وضع هوا به دغدغه ما بدل می‌شود و تنها هنگامی که امری نامعمول رخ دهد، آنگاه که به دردمس بیفتیم، تازه نگاه‌مان را به آنچه پیرامون‌مان را احاطه کرده می‌دوزیم. این قضیه در مورد مکان‌ها نیز صادق است و ما مکان را در روزگار کنونی واقعیتی بدیهی و داده شده می‌پنداریم. هدف این تحقیق، بررسی چگونگی ادراک حس مکان توسط مردم استفاده کننده از فضا و تفاوت آن در بافت‌های برنامه‌ریزی شده و ارگانیک بوده است. در بخش اول پژوهش، به ارائه تعاریف مبانی نظری پرداخته شده است. بخش دوم تحقیق شامل معرفی محلات منتخب ساغریسازان و بلوار گیلان است. در بخش سوم، به سنجش حس مکان و عناصر متشکله آن در هریک از محلات پرداخته شده و در پایان، نتیجه‌گیری پژوهش عنوان گردیده است.

روش تحقیق

این مطالعه از دو بخش مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی تشکیل شده است. بخش مطالعات کتابخانه‌ای با بررسی تحقیقات انجام شده در زمینه حس مکان و مؤلفه‌های آن، مقایسه مزایا و معایب راهبردهای کمی و کیفی [۲]، مبانی نظری تحقیق بر مبنای آرای کریستین نوربرگ - شولتس [۳] که به نوبه خود از آرای مارتین هایدگر [۴] متأثر بوده، شکل گرفت. در ضمن، نظریات و جدولی که ادوارد رلف در زمینه سلسله مراتب دیالکتیک عرصه درونی/عرصه بیرونی ارائه نموده و نیز سطوح گوناگون حس مکان که جنیفر کراس تهیه کرده به‌عنوان مکمل نظریات شولتس انتخاب شد و سپس با استفاده از روش تحقیق توصیفی و با بهره‌گیری از رویکرد ترکیبی (کیفی - کمی) و با تأکید بیشتر بر راهبرد کیفی (عمدتاً در نحوه گردآوری اطلاعات) نحوه تحقق عوامل مؤثر بر حس مکان در دو محله ساغریسازان و بلوار گیلان مورد سنجش قرار گرفت. این کار از طریق مطالعه، تفسیر و تحلیل محقق و ارزیابی نظریات افراد استفاده کننده از محلات و با تهیه یک مجموعه پرسش‌های باز و مصاحبه‌های عمیق به همراه ۲۲ سؤال از پیش طراحی شده (میانگین زمان مفید مصاحبه‌ها ۴۰ دقیقه بوده است) و در نهایت، اشتراک نظر مصاحبه‌شوندگان انجام پذیرفته است. در انتخاب نمونه‌ها تلاش شد به تمامی اقشار استفاده کننده از محیط توجه شود. تعداد نمونه‌ها در محله ساغریسازان ۲۴ نفر و در بلوار گیلان ۲۲ نفر بوده است. اکثر مصاحبه‌ها ضبط شده و مصاحبه‌ها تا هنگام مواجهه با جواب‌های تکراری و مشابه، ادامه یافتند. طبقه‌بندی داده‌ها برحسب موضوعات و الگوها صورت گرفت. سپس نتایج تحقیق در اختیار ۶۰٪ از مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت و به تأیید آنها رسید و در مواردی اصلاح گردید. ملاک اعتبار یافته‌های تحقیق عبارت است از:

۱. تفسیر و تأویل یافته‌های تحقیق با تکیه بر نیل به اشتراکات ایده‌ها و به عبارتی تفاهم بین‌ذهنی [۵]، به‌طوری‌که عمق و کیفیت نتایج، توسط افراد دیگر در زندگی روزمره قابل لمس باشد. (سیمون، ۲۰۰۰، ۱۷۱)

۲. تصدیق و تأیید نتایج تحقیق توسط مصاحبه‌شوندگان، کارشناسان و متخصصان در روش‌شناسی پژوهش، پایبندی به اصول اساسی پدیدارشناسی و نیز تحقیق کیفی و به تبع آن

استدلال استقرایی مد نظر قرار گرفته است. در اینجا لازم است به برخی از اصول اساسی راهبرد کیفی و پدیدارشناسی اشاره شود. تحقیق پدیدارشناسی با سه نوع رویکرد قابل انجام است (پرتوی، ۱۳۸۷) و در این پژوهش، از ترکیبی از این روش‌های پدیدارشناسانه، جهت کشف عناصر تشکیل دهنده حس مکان استفاده شده است:

۱. پژوهش پدیدارشناسانه اول شخص: محقق، تجربه دست اول خودش را درباره پدیده و کیفیت‌های آن ارائه می‌دهد. این کار از طریق عملیاتی مانند اسکس کشیدن، رسم نقشه‌ها و یادداشت‌های روزانه و ... انجام می‌پذیرد.

۲. پژوهش پدیدارشناسانه اگزیستنیالی: پایه و اساس این نوع رویکرد، تعمیم تجربه ویژه افراد و گروه‌هایی است که درگیر موقعیت‌های واقعی هستند. این نوع رویکرد مستلزم چهار مرحله است:

- شناسایی پدیده‌ای که پدیدارشناس به آن علاقمند است.

- تهیه گزارش‌های توصیفی از پاسخگویی که پدیده مد نظر را تجربه کرده‌اند.

- مطالعه دقیق گزارش پاسخگویان به منظور شناسایی اشتراکات و الگوهای اصلی و مهم.

- ارائه نتایج به پاسخگویان و نیز همکاران تحقیق در قالب جلسه پرسش و پاسخ.

۲. پژوهش هرمنوتیک: هرمنوتیک، تئوری و عمل تفسیر است. نکته مهم در این روش آن است که به وجود آورنده متن، معمولاً برای توضیح درباره اثر خود حضور ندارد از این رو محقق باید روش‌هایی را بیابد تا بتواند معانی مندرج در متن مورد مطالعه (مانند شعر، نقاشی، چشم انداز و ...) را کشف نماید.

یکی از اصول اساسی که در طی مراحل اجرایی تحقیق به آن توجه جدی شده است، استفاده از مثلث‌بندی [۶] است.

۱. استفاده از چندین مشاهده کننده به جای یک مشاهده کننده؛

۲. استفاده از تئوری‌های چندگانه به جای دیدگاه‌های ساده؛

۳. استفاده از مثلث‌بندی در روش‌ها و بین روش‌ها (سفیری، ۱۳۸۷).

روش طبقه‌بندی جامعه آماری و انتخاب نمونه‌ها

در این پژوهش، طبقه‌بندی جامعه آماری مد نظر قرار گرفته است. از آنجا که در تحقیق حاضر تأکید بر راهبرد کیفی بوده، تعداد بالای نمونه‌ها در داخل محلات مد نظر قرار نداشته، بلکه سعی گردید که نمونه‌ها به صورت گزینش شده و هدفمند انتخاب شوند و تا زمانی که به یک مجموعه اشتراکات و نتیجه نهایی دست یافته نشد، نمونه‌گیری‌ها ادامه پیدا کرد.

۱. مبانی نظری

۱.۱. مکان

پدیده مکان از دیدگاه پدیدارشناسانی چون کریستیان نوربرگ- شولتس، بخشی کامل و جدایی‌ناپذیر از وجود است. در این دیدگاه، مکان چیزی بیش از یک محل انتزاعی است (پرتوی، ۱۳۸۷، ۷۳). در واقع، مکان پدیده‌ای کلی و کیفی است که نمی‌توان آن را به هیچ یک از خصوصیات آن، بدون از دست دادن طبیعت واقعی‌اش کاهش داد (شولتس، ۱۳۸۸، ۱۷). از دیدگاه مارتین هایدگر، «مکان» و «رویداد» اکثراً به یک معنا هستند؛ یعنی مکان جایی است که بودن در آن اتفاق می‌افتد (رویدادی که مرتباً در حال تغییر بوده و جا برای پرسش کردن دارد) (رلف، ۲۰۰۸، ۵).

مالپاس معتقد است که بهترین راه برای توصیف رابطه بین مکان و تجربه، بررسی پیچیدگی ساختار مکان است (کامرون، ۲۰۰۴، ۶). پدیده مکان، بیشتر یک فرآیند موقت است یعنی همان طور که انسان‌ها موقت و در حال تغییرند، مکان‌های سکونت نیز این‌گونه‌اند (استفانویچ، ۲۰۰۴، ۱۱).

۲.۱. حس مکان

رابرت های [۷] عوامل مؤثر بر حسن مکان را شامل موارد ذیل دانسته است: بافت جغرافیایی مکان، وضعیت اجتماعی، ارتباطات فرهنگی و نژادی، مراحل و سیکل زندگی، رضایت از زندگی زناشویی (های، ۱۹۹۸، ۷-۲۵).

از دیدگاه پدیدارشناسی، حس مکان به معنای شخصیت مکان است که معنایی نزدیک به روح مکان دارد. در پدیدارشناسی، تجربه، اصلی ترین رکن در ادراک است. این تجربه به معنای تطهیر ذهنی و دستیابی به ذات چیزها است (فلاحت، ۱۳۸۵، ۵۸). حس مکان، یک توانایی ادراکی است که می‌تواند قوای بینایی، شنوایی، لامسه، جنبش و تحرک، بساوایی، تخیل، مقصود و غایت و پیش‌بینی را با هم درآمیزد (رلف، ۲۰۰۹، ۲۸). کریستیان نوربرگ-شولتس، حس مکان را پدیده‌ای کلی با ارزش‌های ساختاری، فضایی و جوی (هواسپهر) می‌داند که انسان از طریق ادراک جهت‌یابی و شناسایی به آن نایل می‌گردد. حس مکان در طول زمان، یک حقیقت زنده باقی مانده است (پرتوی، ۱۳۸۷، ۱۲۲). حس مکان، زمانی بیشتر آشکار می‌شود که به دلایلی ریتم‌های معمول زندگی به هم بخورد، مثلاً هنگامی که مکان به دلیل وقوع جنگ یا سوانح طبیعی تغییر یابد. مفهوم حس مکان، ماهیت مکان را مشخص می‌کند و در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای کاراکتری مشخص و متمایز هستند (همان، ۱۳۹).

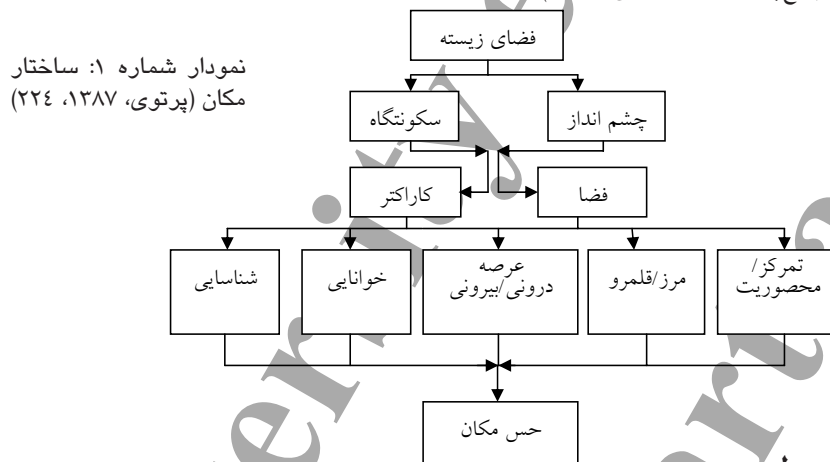
جینیفر کراس [۸] سطوح مختلف حس مکان را به شرح زیر برمی‌شمارد (به منظور سنجش و طیفی کردن حس مکان، محقق هر مرحله از این سطوح را امتیازدهی نموده است):

۱. بی‌اعتنایی نسبت به مکان: این سطح، معمولاً در ادبیات حس مکان مورد توجه واقع نمی‌شود ولی می‌تواند در سنجش حس مکان مورد استفاده قرار گیرد. (۱ امتیاز)
۲. آگاهی از قرارگیری در یک مکان: این سطح هنگامی است که فرد می‌داند که در یک مکان متمایز زندگی می‌کند و نمادهای آن مکان را تشخیص می‌دهد ولی هیچ احساسی که او را به مکان متصل کند، وجود ندارد. در این حالت فرد ممکن است بداند که در یک مکان مستقر است ولی نمی‌داند که بخشی از آن مکان است. (۲ امتیاز)
۳. تعلق به مکان: در این سطح فرد نه تنها از نام و نمادهای مکان آگاه است بلکه با مکان، احساس بودن و تقدیر مشترک داشتن نیز دارد. در این حالت نمادهای مکان محترم و آنچه برای مکان رخ می‌دهد، برای فرد مهم است. (۳ امتیاز)
۴. دلبستگی به مکان: در این سطح، فرد ارتباط عاطفی پیچیده‌ای با مکان دارد. مکان برای او معنا دارد و مکان، محور فردیت است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به مکان شخصیت می‌دهد. (۴ امتیاز)
۵. یکی شدن با اهداف مکان: این سطح، نشان‌دهنده درآمیختگی و پیوستگی فرد با نیازهای مکان است. در این حالت، فرد اهداف مکان را تشخیص داده و با آنها منطبق شده و از آنها پیروی می‌کند. در فرد شور، عشق، حمایت و از خودگذشتگی نسبت به مکان وجود دارد. (۵ امتیاز)
۶. حضور در مکان: این سطح، به نقش فعال فرد در اجتماع که علت آن تعهد به مکان است، توجه

دارد. در مقابل تمامی سطوح قبل که مبنای نظری داشتند، این سطح از رفتارهای واقعی افراد برداشت می‌شود. (۶ امتیاز)

۷. فداکاری برای مکان: این سطح، بالاترین سطح حس مکان است و فرد عمیق‌ترین تعهد را نسبت به مکان دارد و فداکاری زیادی برای گرایش‌ها، ارزش‌ها، آزادی‌ها و رفاه در موقعیت‌های مختلف از خود نشان می‌دهد. در این سطح، آمادگی برای رها کردن علایق فردی و جمعی به دلیل علایق بزرگتر نسبت به مکان وجود دارد (منعام و ضرابیان، ۱۳۸۷، ۶-۲۵). (۷ امتیاز)

فضای زیسته [۹] به معنی فضا، بدان‌گونه است که تجربه شده و ارتباط نزدیکی با زیست‌جهان دارد. از نظر شولتس، ساختار مکان را می‌توان در دانش واژه‌هایی چون «چشم‌انداز» و «مجتمع‌های زیستی» توصیف نمود و سپس با طبقه‌بندی‌های «فضا» و «کاراکتر» آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. (پرتوی، ۱۳۸۷، ۸-۷۷). در پایان چارت اصلی مورد استفاده در این تحقیق که معرف عناصر متشکله مکان و حس مکان از دید کریستیان نوربرگ- شولتس است، ارائه می‌گردد. (البته این تقسیم‌بندی صرفاً برای تسهیل در مطالعه است و گرنه از دیدگاه نوربرگ- شولتس، مکان چیزی بیش از جمع‌بندی عناصر آن است.)



۳.۱ ادراک محیط

ادراک محیط، فرآیندی است که از طریق آن، انسان، داده‌های لازم را بر اساس نیازهایش از محیط پیرامون برمی‌گزیند. لذا ادراک، فرآیندی هدفمند است و به فرهنگ، نگرش و ارزش‌های حاکم بر تفکر ادراک کننده بستگی دارد و از این رو، فرایند ادراک همواره با شناخت انسان از محیط همراه است (مطلبی، ۱۳۸۰، ۶-۵۵). در یک محیط مشترک، مردم گوناگون از ادراکات و احساسات خاص خود به تبعیت از معنی خاصی که به محیط نسبت می‌دهند، برخوردارند (پرتوی، ۱۳۸۸، ۷). علت آن است که افراد مختلف براساس پیشینه و تجربه‌شان تعبیر متفاوتی از محیط‌هایشان دارند. در درک فضای شهری، باید ابعاد فیزیکی، اجتماعی و نمادین آن را همزمان به حساب آورد. تفاوت‌های فردی اعم از قومیت، سن، جنسیت، شیوه زندگی، طول مدت سکونت در یک منطقه و روش جابه‌جایی در شهر، همگی بر شیوه دریافت محیط اثر می‌گذارند (مدنی‌پور، ۱۳۷۹، ۱۹۴). اشارت دارد.

۴.۱ محلات ارگانیک [۱۰]

محله، کوچکترین واحد برنامه‌ریزی شهری است. این اصطلاح را نخستین بار کلرنس پری آمریکایی به‌کار برد (سیف‌الدینی، ۱۳۸۵، ۲۷۹). محله بخشی از قلمرو شهر با ویژگی‌های خاص خود است و با

جنبه‌های فیزیکی و ریخت‌شناسی مانند موقعیت شهر، دوره ساخت، تیپولوژی ساختمان‌ها، کارکردها و گروه‌های اجتماعی مسلط و غیره مشخص می‌گردد (ربانی، ۱۳۸۱، ۸۰). در محلات با رشد ارگانیک، شهرها بدون اینکه با استفاده از نقشه‌های خاصی طراحی شوند، توسعه‌شان منوط به رشد طبیعی جمعیت و نیازهای جدید ساکنان بوده و به اصطلاح رشدی گام به گام و تدریجی دارند. نمونه چنین رشدی در قرون وسطی دیده می‌شد. در ایران، چنین بافتی تا اواخر حکومت قاجار موجود بوده است (خطیب، ۱۳۸۷). در شهر رشت نیز، فقط در محلات محدودی مانند «ساغریسازان» و تا حدی «چومارسرا» رشد ارگانیک قدیمی حفظ شده است. ساغریسازان به موازات بازار قدیمی رشت و به مرور به صورت ارگانیک ایجاد شده است.

۵.۱. محلات برنامه‌ریزی شده [۱۱]

محله برنامه‌ریزی شده، اجتماعی است که برپایه برنامه‌ای معین و از پیش طراحی شده پدید آمده و سازمان یافته باشد، یعنی این نوع محلات برپایه برنامه‌ریزی براساس شناخت نیازهای کوتاه‌مدت و بلندمدت به وجود می‌آیند (سیف‌الدینی، ۱۳۸۵، ۹-۲۷۸). این نوع محلات معمولاً برای رفع نیازهایی در آینده، برنامه‌ریزی می‌شوند و به‌عنوان برنامه‌ریزی جهت‌دار شناخته می‌شوند (اشورت، ۱۳۸۶، ۱۹۳). محلات برنامه‌ریزی شده، مناطق شهری مشخص با یک ترکیب متعادل از فعالیت‌های انسانی هستند که در اطراف یک مرکز شهری خاص وجود دارند (کوآن، ۲۰۰۷، ۲۵۷). در شهر رشت، محله نوساز بلوار گیلان به تبع ساخت شهرک گلسار به‌عنوان نماد واضحی از محلاتی است که با برنامه‌ای از پیش اندیشیده شده به وجود آمده است.

۲. محلات منتخب

۱.۲. محله ساغریسازان

ساغریسازان بخشی از محله بزرگ زاهدان است و از جمله محلات قدیمی شهر رشت محسوب می‌شود. این محله و بناهای یاد شده آن بیش از یک و نیم قرن قدمت دارد و بخشی از آن جزء بافت فرسوده به حساب می‌آید. این محله به تدریج و بدون برنامه قبلی، به تبعیت از بازار قدیمی رشت در زمان صفویه و در اطراف بازار، به مرور توسط ساکنان آن ساخته شده و مورد استفاده مسکونی قرار گرفته است. این محله از یک راسته بازار تشکیل می‌شود (وب سایت شورای شهر رشت، ۱۳۸۸). ساغریسازان جزء محدود محلات رشت است که بافت سنتی خود را تا حد زیادی حفظ کرده است. از جمله مشخصه‌های دیگر محله، وجود چندین مرکز مذهبی در آن است.



تصویر شماره ۱: یکی از کوچه‌های محله ساغریسازان (مأخذ: نگارندگان)

قدمت و سنت از ویژگی‌های مهم و قابل توجه محله ساغریسازان است که در آن، فقیر و غنی در کنار هم بدون جدایی‌گزینی زندگی می‌کرده‌اند و امروزه بافتی فرسوده و تاریخی محسوب می‌شود که بخشی از آن دستخوش تغییر شده و بسیاری از ثروتمندان محله از آن کوچ کرده‌اند (شرکت مهندسی طرح و کاوش، ۱۳۸۶، ۳۴). عناصر مهم محله شامل مسجد گلدسته ساغریسازان، بقعه آقاسیدعباس و اسماعیل، حمام حاجی و تعدادی خانه‌های قدیمی با ارزش است.



تصویر شماره ۲: خیابان اصلی ساغریسازان که از بازار نیز گذر می‌کند. (مأخذ: نگارندگان)



نقشه شماره ۱: موقعیت مراکز مذهبی محدوده محله و اطراف آن (مأخذ: نگارندگان)

۲.۲. محله بلوار گیلان

محله بلوار گیلان جزء شهرک گل‌سار بوده و در انتهای آن واقع شده است و محله‌ای است نوساز با حدود چهل سال قدمت. این شهرک در دهه ۵۰ شمسی، با هدف اسکان طبقه ثروتمند ساخته شد. شهرک گل‌سار شامل ۵ محله اصلی بلوار سمیه، بلوار دیلمان، بلوار توحید (ناز)، خیابان اصلی گل‌سار و بلوار گیلان می‌شود. از ویژگی‌های محله بلوار گیلان، شبکه ارتباطی حلقوی آن است و با شکست دید ناظر، هر لحظه او را در فضایی جدید قرار می‌دهد. علاوه بر این، اصول به‌کار گرفته شده در بدنه‌ها، وجود لبه و استفاده از معماری و طراحی در بدنه این خیابان و هماهنگی در خط افقی بازشوها و خطوط جداکننده طبقات از ویژگی‌های کالبدی این بلوار است (شرکت مهندسی طرح و کاوش، ۱۳۸۶، ۶۴).



تصویر شماره ۳: به کارگیری قوس در خیابان اصلی بلوار گیلان (مأخذ: نگارندگان)



تصویر شماره ۴: نمایی از یک خانه بسیار مدرن و شیک در بلوار گیلان (مأخذ: نگارندگان)

۳. یافته‌های تحقیق (سنجش حس مکان و عناصر متشکله آن)

۱.۱.۳. مرز و قلمرو [۱۲]

۱.۱.۳.۱. مرز و قلمرو در ساغریسازان

هر نوع محصوریتی به وسیله مرز تعریف می‌شود. هایدگر در این باره می‌گوید: «مرز آن نیست که بعضی چیزها در آن متوقف می‌شوند، بلکه همان‌گونه که یونانی‌ها نیز پی برده بودند، مرز آن است که از آن بعضی چیزها، شروع به حضور می‌کنند.» (پرتوی، ۱۳۸۷، ۱-۱۰۰). مکان و قلمروی آن، بدون مرزها و ارتباطاتش با محیط مجاور نمی‌تواند موجودیت داشته باشد (سون-یانگ، ۲۰۰۳، ۶۲). جدول نتایج ذیل از این پرسش که «مرز و قلمروی محله، از نظر شما کجاست»، حاصل شده است و چون نوع مصاحبه به صورت پرسش باز بوده است، اکثر مصاحبه‌شوندگان به بیش از یک پاسخ اشاره داشته‌اند. پاسخ‌های پراکنده و گوناگون مصاحبه‌شوندگان نشان داد که تفکیک مرز ساغریسازان برای افراد گوناگون مشکل است. البته این موضوع، به مدت سکونت و استفاده از محیط نیز مرتبط است و ساکنان قدیمی محله در معرفی مرز محله راحت‌تر بودند.



نقشه شماره ۲: محدوده محله ساغریسازان و محلات اطراف (مأخذ: نگارندگان)

در مجموع از ۲۴ نفر مصاحبه به عمل آمد که در بسیاری از پاسخ‌ها، چند مرز در جهات مختلف محله مورد اشاره قرار گرفت.

جدول شماره ۱: پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان در مورد مرز محله ساغریسازان (مأخذ: نگارندگان)

تعداد پاسخ‌ها	بقعه آقا سیدعباس	سنگ پل و دانشسرا	خمیران زاهدان	صومعه بیجار	خواهر امام	مسجد گلدسته	رودبارتان	چهارراه بادی‌الله	پل عراق
۵	۴	۶	۲	۱	۶	۲	۶	۱۵	۵

۲.۱.۳. مرز و قلمرو در بلوار گیلان

با توجه به مصاحبه‌های انجام شده، از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، محله بلوار گیلان دارای مرزهای دقیق و معینی است و این موضوع به دلیل وجود جواب‌های مشابه پاسخ‌دهندگان در مورد مرزهای محله است؛ به طوری که در شمال محله، سه راه گلابیل نقش مرزی و ورودی اصلی را ایفا می‌کند. در سمت غرب بلوار گیلان، کانال آبی موجود است که در واقع محل جداسازی آن از دهستان پستک بافت کاملاً روستایی است. در سمت شرق بلوار گیلان، بلوار توحید به عنوان یک لبه، مرز محله را شکل می‌دهد. محدوده بلوار گیلان در جنوب، به رودخانه زرجوب می‌رسد که به صورت تقریباً خطی و به شکل یک لبه به انتهای خیابان‌های جنوبی بلوار منتهی می‌گردد. وجود نشانه‌های خطی و گرهی، به ساکنان و دیگر افراد کمک می‌کند تا راحت‌تر مرزهای محله را تشخیص دهند.



نقشه شماره ۳: مرز و قلمرو در محله بلوار گیلان (مأخذ: نگارندگان)

جدول شماره ۲: پاسخ‌های مصاحبه در مورد مرز و قلمرو در بلوار گیلان (مأخذ: نگارندگان)

بلوار توحید	حد خیابان‌های ۱۶۲ الی ۱۹۴	رودخانه زرجوب	سه راه گلابیل	دهستان پستک	مغازه هاکوبیان
۴ نفر	۲ نفر	۳ نفر	۸ نفر	۴ نفر	۲ نفر

۲.۳. تمرکز و محصوریت [۱۳]

۱.۲۳. تمرکز و محصوریت در ساغریسازان

نوربرگ- شولتس می‌گوید: در واقع هر مکانی که در آن معنا آشکار می‌شود، یک مرکز است (پرتوی، ۱۳۸۷، ۱۰۶). زندگی در مرکز به بالاترین شدت خود می‌رسد و دلایل آنست که ورود به مکان، از همان آغاز، رسیدن به مرکز را خبر می‌دهد (نوربرگ- شولتس، ۱۳۸۷، ۲۲۱). محصوریت نقش

مهمی را در ایجاد درک فضایی و ارتباطی استفاده‌کننده و محیط ایفا می‌کند تا جایی که اگر یک فضا به شکل مطلوبی محصور نشود، نمی‌توان به یک فضای شهری مطلوب دست یافت (سیدیان - ابافت یگانه، ۱۳۸۶، ۴۵). با توجه به برداشت‌های بصری [۱۴] و اشتراک نظر اکثر پاسخ‌دهندگان (۸۰٪ از پاسخ‌دهندگان)، ساغریسازان را نمی‌توان فضای محصور به حساب آورد چون از جهات مختلف با محله‌های مجاور ارتباط دارد و نقش محوری مذهبی آن در مقیاسی فرامحله‌ای عمل می‌کند. جدول نتایج زیر از پاسخ‌های طیف‌های مختلف حاصل شده است.

جدول شماره ۳: نتایج مصاحبه‌ها در ارتباط با مراکز و پاتوق‌های محله (مأخذ: نگارندگان)

تعداد مصاحبه شونده	پارک‌های مجاور محله	بدون پاتوق	بازار ساغریسازان	قهوه‌خانه‌ها	اماکن مذهبی	مغازه‌ها
مناسب برای ۲۴ نفر	بزرگسالان ۳ نفر	جوانان ۳ نفر	بانوان ۴ نفر	بزرگسالان ۶ نفر	بزرگسالان ۶ نفر	بانوان ۴ نفر

۲.۲.۳. تمرکز و محصوریت در بلوار گیلان

می‌توان گفت کل محله بلوار گیلان حالت میدان بزرگی را دارد که به مرکزیت محدوده مرکز تربیت معلم شکلی حلقوی به کل بلوار می‌دهد. یعنی کل محله شکلی متمرکز و نیز محصور دارد. در ضمن در گروه‌های مختلف سنی و جنسی، پاسخ‌های متفاوتی به پاتوق‌های محله داده شد.



نقشه شماره ۴: محصوریت در بلوار گیلان (مأخذ: نگارندگان)

جدول شماره ۴: نتایج مصاحبه‌ها در زمینه پاتوق‌های محله بلوار گیلان (مأخذ: نگارندگان)

تعداد مصاحبه شونده	پاتوق ندارد	فروشگاه سناتور	مغازه پیتزا- پیتزا	روبه‌روی مرکز تربیت معلم	پارک توحید
۲۲ نفر	۱ نفر	۴ نفر	۴ نفر	۶ نفر	۷ نفر
مناسب برای ۱۰۰٪	نوجوانان ۵٪	بانوان ۱۸٪	جوانان ۱۸٪	جوانان ۲۷٪	بزرگسالان ۳۲٪

۳.۳. دیالکتیک درون / بیرون [۱۵]

۱.۳.۳. عرصه درونی / عرصه بیرونی در محله ساغریسازان

معمار نروژی، توماس ایونس در کتاب خود یاد آوری می‌کند که سبک‌های گوناگون معمارانه و سنت‌های فرهنگی ممکن است دیالکتیک میان درون و بیرون را از طریق درجات متنوعی از گشودگی

و محصوریت بیان کنند (پرتوی، ۱۳۸۷، ۹۱). رلف معتقد است: مفهوم دیالکتیک درون و بیرون، هسته اصلی ساختار سکونت در مکان است. اگر شخصی احساس درون بودن در مکان داشته باشد، وی به جای آنجا، در این جاست، به جای ترس، احساس ایمنی دارد، به جای بی‌پناهی، پناهگاه دارد، به جای اضطراب، حس راحتی دارد (سیمون و سوورن، ۲۰۰۸، ۴۵). ادوارد رلف برای دیالکتیک درون- بیرون قائل به سلسله مراتبی هفتگانه است: (پرتوی، ۱۳۸۷، ۱۰۰-۹۷)

عرصه درونی وجودی	شامل حس وابستگی و راحتی در مکان بوده و این حس عمیق‌ترین نوع تجربه مکان است.
عرصه بیرونی وجودی	شخص حس می‌کند جدا از مکان یا خارج آن است. (حس بیگانگی، بی‌خانمانی و...)
عرصه بیرونی هدفمندانه	مکان، به‌عنوان یک شی، مجزا از فرد تجربه‌کننده مکان مورد مطالعه قرار می‌گیرد.
عرصه بیرونی ضمنی	موقعیتی که در آن، مکان صرفاً جایگاهی برای نوعی فعالیت است.
عرصه درونی رفتاری	موقعیتی که در برگیرنده دقت و توجه سنجیده و حساب شده به ظاهر مکان است.
عرصه درونی توأم با همدلی	موقعیتی که در آن شخص به عنوان یک فرد بیرونی تلاش می‌کند مکان را عمیقاً بشناسد.
عرصه درونی غیرمستقیم	موقعیتی که از درگیری عمیقاً دست دوم (از طرق نقاشی و داستان و...) با مکان مرتبط می‌شود.

گشودگی و یا ورودی اصلی محله، بدون شک چهارراه بادی‌الله در تقاطع خیابان مطهری است که اگر از آن سمت وارد محله شویم کاملاً حس ورود به درون محله به انسان القا می‌شود.



نقشه شماره ۵: ورودی ساغریسازان از سمت چهارراه بادی‌الله (مأخذ: نگارندگان)



نمودار شماره ۲: نتایج مصاحبه‌ها درخصوص سلسله مراتب عرصه درونی/ بیرونی در ساغریسازان بر حسب مراتب هفت‌گانه رلف (مأخذ: نگارندگان)

۲.۳.۳. دیالکتیک عرصه درونی/عرصه بیرونی در محله بلوار گیلان

قبل از افتتاح بلوار توحید، سه راه گلایل به تنهایی نقش ورودی محله را ایفا می‌کرد و جداسازی درون و بیرون را به شکلی خوانا و قوی انجام می‌داد.



نقشه شماره ۶: جداسازی عرصه درونی و عرصه بیرونی در بلوار گیلان (مأخذ: نگارندگان)

هیچیک از افراد ساکن در محله در موقعیت عرصه درونی وجودی (حس وابستگی و راحتی در مکان) قرار ندارند. شاید بعضی از آنها با توجه به سن بالایشان در اینجا حس راحتی و آسایش داشته باشند ولی حس وابستگی در آنها به هیچ وجه دیده نمی‌شود.



نمودار شماره ۳: نتایج مصاحبه‌ها در خصوص سلسله مراتب عرصه درونی/عرصه بیرونی در بلوار گیلان بر حسب مراتب هفت‌گانه رلف (مأخذ: نگارندگان)

وجود تعداد زیاد افراد در عرصه بیرونی ضمنی در هر دو محله، نژگ خطر را برای استفاده‌کنندگان از محیط محله به صدا در می‌آورد تا به ارتباطات دوطرفه بین انسان‌ها و مکان‌ها توجه بیشتری داشته باشند.

۴.۳. خوانایی [۱۶]

۱.۴.۳. خوانایی در محله ساغریسازان

منظور از خوانایی (جهت‌یابی) آن است که به آسانی بتوان اجزای شهر را شناخت. خوانایی، افراد را قادر به استفاده از محیط و پیش‌بینی آن می‌سازد (لینچ، ۱۳۸۷، ۱۲). خوانا بودن محیط به اشخاص، نوعی احساس امنیت می‌دهد (همان، ۱۶). از دید لینچ، عوامل اصلی مؤثر بر خوانایی سیمای شهر عبارتند از: راه، لبه، محله، گره و نشانه (همان، ۹۰-۱). برای افرادی که برای مدتی طولانی در محله ساغریسازان ساکن هستند و یا در آن بزرگ شده‌اند و دوران نوجوانی و جوانی خود را در آن زندگی کرده‌اند، علی‌رغم مهاجرت چندین ساله، جای جای محله قابل جهت‌یابی و تعیین موقعیت بوده است. اما برای اکثر استفاده‌کنندگان موقتی از محیط و یا گردشگران غیربومی، بالاخص کوچه‌های پر پیچ و خم آن اصلاً خوانا نبوده و افراد در جهت‌یابی خود به شدت دچار سردرگمی می‌شوند.

جدول شماره ۵: نتایج مصاحبه‌ها در تعیین میزان خوانایی محیط محله (مأخذ: نگارندگان)

تعداد مصاحبه شونده‌گان	محیط محله خوانا نیست	محیط محله خواناست	فقط در مسیر اصلی خوانایی دارد
۲۴ نفر	۷ نفر	۱۳ نفر	۴ نفر
٪ ۱۰۰	٪ ۳۰	٪ ۵۳	٪ ۱۷

۲.۴.۳. خوانایی در بلوار گیلان

پاسخ‌ها نشان داد که همه افرادی که در این محله ساکنند در تعیین موقعیت و جهت‌یابی مشکلی احساس نکرده‌اند (صد در صد مصاحبه‌شونده‌گان)، مصاحبه‌شونده‌گان علت این امر را در پلاک‌بندی و نام‌گذاری مناسب و تقریباً منظم خیابان‌ها و کوچه‌ها می‌دانند. این ویژگی صرفاً برای گردشگرانی که از خارج شهر می‌آیند متفاوت است و نیاز به مقداری گردش و جستجو و توقف در محیط محله دارند تا بتوانند به‌طور ملموس و راحت، مسیریابی کنند.

جدول شماره ۶: نتایج مصاحبه‌ها در تعیین میزان خوانایی محله بلوار گیلان (مأخذ: نگارندگان)

تعداد مصاحبه شونده‌گان	محیط محله خوانا نیست	محیط محله خواناست
۲۲ نفر	۱ نفر	۱۵ نفر
٪ ۱۰۰	٪ ۵	٪ ۹۵

۵.۳. شناسایی [۱۷]

۱.۵.۳. شناسایی در محله ساغریسازان

شناسایی عبارت است از آشنا شدن با محیطی خاص که باعث امنیت احساسی، عاطفی و لذت بردن از محیط می‌شود. در واقع شناسایی، پایه‌ای برای حس تعلق داشتن انسان به محیط است (نوربرگ-شولتس، ۱۳۸۸، ۸-۳۵). فقط در بعضی از ساکنان قدیمی محله (۲۱٪ از پاسخ‌دهندگان) حس انس و دوستی با محیط محله وجود دارد و عواملی چون، نارضایتی از زندگی و خدمات شهری و مشکلات موجود در خانه‌ها و یا ترافیک، نارضایتی از وضعیت زندگی فرزندان، نوع تفکر و نگرش به زندگی، مشکلات اقتصادی، وضعیت ضعیف فرهنگی محله از عوامل کاهنده حس تعلق به محله محسوب می‌شود. جدول شماره ۷: تعیین میزان انس با محله ساغریسازان (مأخذ: نگارندگان)

درصد تعداد مصاحبه‌شونده‌گان	حالت بینابین دارد	انسی با محیط ندارم	انس با محیط دارم
۲۴ نفر	۴ نفر	۱۵ نفر	۵ نفر
٪ ۱۰۰	٪ ۱۶	٪ ۶۳	٪ ۲۱

۲.۵.۳. شناسایی در محله بلوار گیلان

عمده افراد ساکن و یا استفاده‌کنندگان موقتی و یا گردشگرانی که از فضای محله استفاده می‌کنند، حس الفت و یا انس با محیط بلوار گیلان ندارند و علت عمده این ویژگی در مهاجرپذیری این محله، نوساز بودن آن و اهداف افرادی است که به این منطقه آمده‌اند.

جدول شماره ۸: نتایج مصاحبه‌ها در تعیین میزان انس با محیط محله بلوار گیلان (مأخذ: نگارندگان)

تعداد مصاحبه شونده‌گان	حالت بینابین دارد	انسی با محیط ندارم	انس با محیط دارم
۲۲ نفر	۳ نفر	۱۶ نفر	۳ نفر
٪ ۱۰۰	٪ ۱۴	٪ ۷۲	٪ ۱۴

۶.۳. جمع‌بندی

۶.۳.۱. حس مکان در محله ساغریسازان

عامل بسیار مهمی که در ارتقای حس مکان در بعضی افراد وجود دارد، وجود ارتباطات غنی و قوی انسانی موجود در محله است که باعث می‌شود علی‌رغم مشکلات بسیاری که این محله دارد (مشکلات اقتصادی، فرهنگی، زیرساختی و وجود بی‌عدالتی‌های اجتماعی و اقتصادی در درون محله و نسبت به بیرون آن) تعدادی از افراد نسبت به مکان، حس تعلق داشته باشند. در اینجا به چند نمونه از مصاحبه‌ها اشاره می‌کنیم:

آقای ۷۴ ساله که محل کسب و سکونتش در ساغریسازان است عنوان می‌کند: «علی‌رغم مشکلات مالی که دارم و نیز ترافیک و... به این مکان افتخار می‌کنم. همه مرا می‌شناسند و این قضیه حس خوبی به من می‌دهد». یا آقای دارای مدرک دکترای جغرافیای انسانی ۴۴ ساله که مدت ۲ سال در این محله زندگی کرده می‌گوید: «به نظرم این محله، خیلی با دوراندیشی شکل نگرفته و نیازهای امروز در آن دیده نشده است. البته پارامترهای مثبتی مثل حضور قوی آدمیان در آن موج می‌زند».

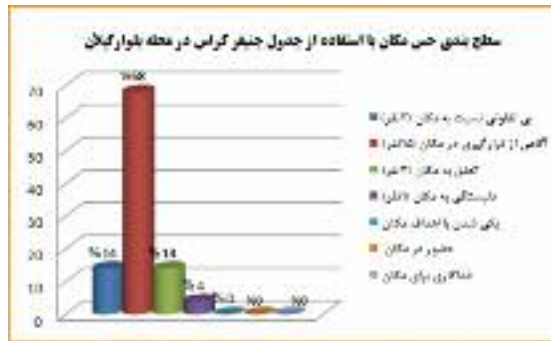


نمودار شماره ۴- امتیازدهی و سطح‌بندی حس مکان با استفاده از جدول جنیفر کراس در محله ساغریسازان (مأخذ: نگارندگان)

نمودار فوق با توجه به امتیازدهی سطوح مختلف حس مکان توسط جنیفر کراس در (نگاه کنید به بند ۲.۱) به دست آمده است. یعنی تعداد افرادی که در هر سطح قرار دارند به تعداد کل مصاحبه‌شوندگان تقسیم شده و درصدهای فوق به دست آمده‌اند.

۶.۳.۲. حس مکان محله در بلوار گیلان

می‌توان گفت زندگی جمعی در محله بلوار گیلان به صورت کامل و تمامی یکدست و در کنار هم شکل نگرفته و به قول مارتین هایدگر متأسفانه سکونت در حد ساختن تنزل پیدا کرده است و حس هویت و یا تعلق به مکان بسیار ضعیف و خفیف است. در بسیاری از ساکنان، به نوعی حس جدا بودن از مکان دیده می‌شود که این ویژگی از عواملی چون نداشتن خاطره جمعی، فقدان فضاهای عمومی و تعاملات اجتماعی نشأت می‌گیرد. البته پارامترهای مثبتی مانند خوانایی مناسب و وجود کاراکتر ویژه در ارتقاء حس مکان مؤثر است. به عنوان نمونه آقای ۲۵ ساله که مدت ۴ سال در این محله به مدرسه می‌رفته می‌گوید: «بلوار، در انعکاس حضور خدا و آدمیان ضعیف است با آنکه محله قشنگی است ولی همه جوانب برنامه‌ریزی در آن رعایت نشده است».



نمودار شماره ۵: امتیازدهی و سطح بندی حس مکان با استفاده از جدول جنیفر کراس در بلوار گیلان (مأخذ: نگارندگان)

۳.۶.۳. مقایسه حس مکان محلات مورد بررسی

در واقع، مجموع امتیازات مصاحبه‌شوندگان در هر مرحله به دست آمده و بر تعداد حداکثر امتیازهای ممکن تقسیم شده است (هر فردی می‌تواند در بالاترین سطح حس مکان، دارای امتیاز هفت باشد).



نمودار شماره ۶: مقایسه جمع بندی امتیازات حس مکان در محلات مورد بررسی بر اساس جدول جنیفر کراس (مأخذ: نگارندگان)

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان می‌دهد که هر کدام از محلات ارگانیک و برنامه‌ریزی شده ساغریسازان و بلوار گیلان، پارامترهایی مثبت و منفی در تحقق حس مکان دارند. ولی در کل، با توجه به مصاحبه‌های انجام پذیرفته، مشاهدات و نیز مطالعات باید گفت افراد، از نظر حس مکان در محله ساغریسازان در وضعیت بهتری نسبت به محله بلوار گیلان قرار دارند. از عوامل مؤثر در ارتقاء حس مکان در محله ساغریسازان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: (تمامی موارد براساس پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان ارائه می‌گردد)

- وجود ارتباطات غنی و قوی انسانی (به علت وجود بازار، مراکز مذهبی و غیره)
- وجود کاراکتر ویژه و بارز سنتی بودن
- تحقق بالنسبه بهتر مفهوم سکنی‌گزینی (خصوصاً در مورد وجود پذیرش فناپذیری انسان و توجه خداوند در فضاهای عمومی و حس معماری بومی و استفاده از مصالح بومی سازگار با اقلیم و...)
- وجود مکان‌های قدیمی، تاریخی و هویت‌بخش مانند مدرسه و مسجد جامع سمیع و نیز حمام حاجی و خانه‌های قدیمی محله
- انس با محیط (شناسایی) و داشتن هویت فرهنگی اصیل در محله (اکثر ساکنان گیلانی، رشتی و حتی

ساغریسازانی هستند)

عوامل مؤثر در تضعیف حس مکان در ساغریسازان:

- ضعف در خوانایی خصوصاً در مسیرهای فرعی
- عدم محصوریت و مرزبندی نامشخص در بخش‌هایی از محله
- مشکلات اقتصادی، فرهنگی و زیرساختی موجود در بافت قدیم
- ناهمخوانی بافت قدیم با نیازهای روز مانند کمبود پارکینگ، عرض کم معابر و غیره
- عوامل مؤثر در ارتقاء حس مکان در محله بلوار گیلان:

• خوانایی و وجود تصویر ذهنی مناسب

• مشخص بودن دقیق مرز محله

• وجود ساختمان‌های مدرن با نماهای زیبا

• بافت فیزیکی ویژه و محصوریت محله

• اوضاع اقتصادی مناسب ساکنان محله

عوامل مؤثر در تضعیف حس مکان در بلوار گیلان:

• تبلور نیافتن کامل مفهوم سکنی‌گزینی و حفاظت از محیط

• فقدان اصالت و ریشه‌داری و نیز فقدان هویت فرهنگی بومی محلی

• نداشتن خاطرات دوران کودکی، نداشتن خاطرات جمعی

• احاطه کامل تکنولوژی بر زندگی ساکنان محله

• محقق نشدن ارتباطات انسانی قوی

• فقدان نگاهی جامع و همه‌جانبه در هنگام برنامه‌ریزی محیط محله و توجه بیشتر به بحث مسائل اقتصادی و ایزوله کردن محیط.

با توجه به موارد فوق، باید در برنامه‌ریزی و طراحی شهری به ارج‌گذاری بیشتر به محلات سنتی و واجد هویت و نیز رعایت اصول متناسب با شرایط بومی هر منطقه در طراحی محلات نوساز، بیش از پیش توجه داشت. به طوری که بتوان از نقاط مثبت هر یک از محلات نوساز و سنتی استفاده کرد و نقاط ضعف آن‌ها را به حداقل رساند و تحقق این امر پیش از هر چیز در گرو شناخت بلاواسطه و اندیشه متأملانه [۱۸] شهرسازان است.

پی‌نوشت‌ها

1. Sense Of Place

۲. در این راهبرد، استفاده از تلفیق روش‌های کمی و کیفی مد نظر است به طوری که محقق با توجه به موضوع تحقیق، تلاش می‌کند به بهترین نحو از نقاط قوت هر دو نوع رویکرد استفاده کند.

3. K. Norberg - Schulz

4. Martin Heidegger

5. Intersubjective Corroboration

6. Triangulation

7. Robert Hay

8. Jennifer Cross

9. Lived Space

10. Organic Neighborhoods

11. Planned Neighborhoods

12. Boundary/Threshold

13. Concentration/Enclosure
14. Visual Survey
15. Insideness/Outsideness
16. Legibility
17. Identification
18. Meditative Thinking

فهرست منابع

- اشورت، گراهام (۱۳۸۶) *دانشنامه شهرسازی*، ترجمۀ پدram پورشکیبایی، تهران: انتشارات ستایش.
- پرتوی، پروین (۱۳۸۸) «اصول و مفاهیم توسعه پایدار از دیدگاه پدیدارشناختی»، *دوفصلنامه معماری و شهرسازی*، سال دوم، شماره دوم، تهران.
- پرتوی، پروین (۱۳۸۷) *پدیدارشناسی مکان*، تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
- پرتوی، پروین (۱۳۸۲) «مکان و بی‌مکانی، رویکردی پدیدارشناسانه»، *فصلنامه هنرهای زیبا*، شماره ۱۴، تهران.
- پیمانی، علی و ذوالقدر، مارال (۱۳۸۶) «بازنمایی حس مکان، ابزارها، امکانات و محدودیت‌ها»، *فصلنامه آبادی*، شماره ۵۷، تهران.
- ربانی، رسول (۱۳۸۱) *جامعه‌شناسی شهری*، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- سفیری، خدیجه (۱۳۸۷) *روش تحقیق کیفی*، تهران: پیام پویا.
- سیدیان، سیدعلی و ابافت یگانه، منصور (۱۳۸۶) «بازنگری مفهوم محصوریت کالبدی در فضاهای شهری»، *مجله راه و ساختمان*، شماره ۴۶.
- سیف‌الدینی، فرانک (۱۳۸۵) *فرهنگ واژگان تخصصی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای*، تهران: انتشارات آبیژ.
- شرکت مهندسی طرح و کاوش (۱۳۸۶) *طرح جامع شهرستان رشت*، با همکاری مهندسی مشاور شهرسازی، معماری و گردشگری پارسوماش، تهران.
- ضرابیان، فرناز، و منعم، محمدرضا (۱۳۸۷) «بررسی و میزان عوامل تأثیرگذار بر حس مکان»، *فصلنامه شهرداری‌ها*، شماره ۸۹، تهران.
- فلاحت، محمدصادق (۱۳۸۵) «نقش طرح کالبدی در حس مکان مسجد»، *فصلنامه هنرهای زیبا*، شماره ۲۲، تهران.
- لینچ، کوین (۱۳۸۷) *سیمای شهر*، ترجمۀ منوچهر مزینی، چاپ هشتم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۸۷) *طراحی فضای شهری (نگرشی بر فرآیندهای اجتماعی-مکانی)*، ترجمۀ فرهاد مرتضایی، چاپ سوم، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- مطلبی، قاسم (۱۳۸۰) «روان‌شناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری»، *فصلنامه هنرهای زیبا*، شماره ۱۰، تهران.
- نوربرگ-شولتس، کریستیان (۱۳۸۸) *روح مکان: به‌سوی پدیدارشناسی معماری*، ترجمۀ محمد رضا شیرازی، تهران: رخداده نو.
- نوربرگ-شولتس، کریستیان (۱۳۸۷) *معماری: حضور، زبان و مکان*، ترجمۀ علیرضا سید احمدیان، تهران: انتشارات نیلوفر
- Cown, Robert (2007) "The Dictionary of urbanism", Tehran: Azarakhsh.
- Hay, Robert (1998) "Sense of Place in Developmental Context", *Journal of Environmental Psychology*, Canada.
- Cameron, John (2004) "Some Implications of maples, place and experience for place ethics and education", *Environmental & Architectural Phenomenology*, No. 1, winter.
- Relph, Edward (2008) "Disclosing the ontological depth of place: Heidegger's Topology by Jeff Maplas", *Environmental & Architectural Phenomenology*, No.1, winter.
- Relph, Edward (2009) "A Pragmatic Sense of Place", *Environmental & Architectural Phenomenology*, Vol. 20, No. 3, Fall.
- Seamon, David (2000) *Away of seeing people and place, Phenomenology in environment-behavior research*, Manhattan: Department of Architecture Kansas State University.
- Seamon, David, & Sowers, Jacob (2008) "Place and Placeness", Edward Relph, *Key texts in Human*

Geography, London.

- Stefanovic, Ingrid Leman (2004) "Speaking of Place: In Dialogue with Maplas, Environmental & Architectural Phenomenology", No. 2, spring.
- Sun-Young, Rieh (2003) "Boundary and Sense of Place in Traditional Korean Dwelling", *Sungkyun Journal of East Asian studies*, Vol. 3, NO 2.
- <http://fa.rashtcouncil.ir>
- http://fttc.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=8:toon&catid=5:1388-12-0617-31-27&Itemid=6

ART University e-Journals
www.art.ac.ir